

Moderation in the Islamic Lifestyle and Factors Affecting it from the Perspective of the Qur'an and Hadiths

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

authors

Morteza Haji Pasha¹
Ebrahim Falah^{2*}
Seyed Ahmad Mirian³

How to cite this article

Morteza Haji Pasha, Ebrahim Falah, Seyed Ahmad Mirian, Moderation in the Islamic Lifestyle and Factors Affecting it from the Perspective of the Qur'an and Hadiths, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2023:7(3): 43-51.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

ABSTRACT

In the teachings of Islam, moderation in belief and behavior is valued and excesses in affairs are condemned. The set of rules and customs of the Islamic religion is such that a person can be educated in a balanced way, and also one of the most basic intellectual rules and religious concepts in Islam, which has been emphasized a lot by the pure Imams (peace be upon them), is adherence to moderation in all areas of human life. Is. The importance of the discussion of moderation becomes clear when we see that in the course of history, groups under different titles have had a significant impact on the masses of people in societies by going beyond the limit of moderation and tending to extremes. Therefore, it is necessary to introduce and explain the factors to achieve moderation in order not to fall into the trap of extremes in affairs. According to the Qur'an report and the teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), it can be seen that several factors such as: faith in God, planning and planning, correcting vision and attitude, supervision and control, avoiding excesses, correct and just laws Prohibition of extravagance and wastage, right-centeredness, rationalism and the rule of justice play a role in the occurrence of moderation.

Keywords: Quran, Traditions, Moderation, Justice, Factors

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: h.masoudisadr@scu.ac.ir

Article History

Received: 2023/05/27
Accepted: 2023/07/31

بر آن از منظر قرآن و روایات

مرتضی حاجی پاشا^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

ابراهیم فلاح^{۲*}

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

سیداحمد میریان^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

در آموزه های اسلام، اعتدال در باور و رفتار، ارزشمند و افراط و تفریط در امور مورد نکوهش قرار گرفته است. مجموعه قوانین و آداب دین اسلام به گونه ای است که انسان متعادل تربیت شود و نیز از اساسی ترین احکام عقلی و مفاهیم دینی در اسلام، که مورد تأکید فراوان ائمه اطهار (علیهم السلام) قرار گرفته، پایبندی به اعتدال‌گرایی در تمام ساحات زندگی بشر است. اهمیت بحث اعتدال زمانی مشخص می شود که می بینیم در سیر تاریخ، گروه هایی تحت عناوین مختلف با خارج شدن از حد اعتدال و گرایش به افراط و یا تفریط، در جوامع تأثیر به سزایی بر توده ی مردم گذاشته اند. از این رو ضروری است جهت گرفتار نشدن در دام افراط و تفریط ها در امور، عوامل دستیابی به اعتدال معرفی و تبیین شود. با توجه به گزارش قرآن و آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) می توان دریافت که عوامل متعددی نظیر: ایمان به خدا، تدبیر و برنامه ریزی، اصلاح بینش و نگرش، نظارت و کنترل، پرهیز از افراط و تفریط، قوانین درست و عادلانه، تحریم اسراف و تبذیر، حق‌محوری، عقل‌گرایی و حاکمیت عدل در بروز اعتدال‌گرایی ایفای نقش می کنند.

کلیدواژه ها: قرآن، روایات، اعتدال‌گرایی، عدل، عوامل

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

*نویسنده مسئول: h.masoudisadr@scu.ac.ir

مقدمه

انسان به عنوان محوری‌ترین مبنای نظام تربیتی در هر مکتب و نگرشی، در دستیابی به موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی خویش، متکی به برخی امور می‌باشد. از جمله این موارد، «اعتدال-گرایی» می‌باشد که شایسته است در زمینه‌های مختلف حیاتش از آن بهره ببرد؛ چرا که اگر اعتدال و میانه‌روی نباشد، آدمی دچار افراط و تفریط شده و در حوزه‌های فردی، خانوادگی و در نهایت اجتماع دچار انحطاط و هلاکت خواهد شد. از نظر قرآن و روایات، هستی بر بنیاد اعتدال نهاده شده و انسان کامل، معتدل‌ترین شخصیت در همه حوزه‌ها می‌باشد. از این رو خداوند از مردم می‌خواهد برای دستیابی به کمال مطلق و سعادت در دنیا و آخرت، اعتدال‌گرایی را در زندگی خویش در پیش گیرند و هرگز گرایش به افراط و تفریط نداشته باشند.

از منظر قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) اعتدال و میانه‌روی، قلمرو وسیعی دارد و در همه جا به عنوان یک اصل خلل‌ناپذیر اسلامی مطرح می‌گردد و ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، عقیدتی را از جزئی‌ترین تا مهم‌ترین موضوعات در بر می‌گیرد. به همین منظور آشنایی با آن به جهت تحکیم قوام ارکان زندگی بشر، نکته‌ای درخور توجه می‌باشد.

لازم به ذکر است اگرچه کلمه اعتدال در متن قرآن دیده نمی‌شود، اما کلماتی در قرآن وجود دارند که معنای اعتدال را افاده می‌کنند. کلماتی نظیر: قصد، قسط، میزان، عدل و ... هر یک از این کلمات در جایگاه خود و به مراد آیه سخن از رعایت اعتدال‌گرایی سر داده و انسان را به اجرای آن در امور فراخوانده‌اند. از آن جایی که اعتدال اصل بنیادین در هستی و رفتارهای صالحان و مومنان است، پیشوایان دین نیز این گونه هستند و هرگز از دایره اعتدال بیرون نرفته و در تمامی سلوک و سبک زندگی خود اعتدال را مراعات می‌کنند. ائمه معصوم (علیهم السلام) که مفسرین واقعی قرآن هستند، با رفتار و سکنات خود به انسان‌ها آموختند که لازمه یک زندگی رو به سوی کمال و پیشرفت از لحاظ معنوی و مادی، رعایت اعتدال‌گری است. آن‌ها در بیانات نورانی خود این مسئله مهم را گوشزد کرده و شیعیان و پیروان خود را به اعتدال و میانه‌روی در امورات و شؤونات مختلف دعوت نموده‌اند.

با عنایت به این مطلب، مشهود است که تحصیل روش اعتدال در تمام ابعاد زندگی، از بزرگ‌ترین توصیه‌ها، و دستورهای دین مبین اسلام است. بر این اساس، پرسش اصلی در جستار پیش رو این گونه مطرح می‌گردد: از نگاه قرآن و روایات چه عواملی در شکل‌گیری اعتدال‌گرایی نقش دارند؟ پژوهش حاضر تلاش دارد تا به بررسی واژگانی که در قرآن و روایات تداعی‌گر مفهوم اعتدال‌گرایی هستند، پرداخته و سپس عوامل اعتدال‌گرایی را در قرآن و روایات استخراج نماید.

پیشینه‌شناسی

لطیفی در پژوهشی با عنوان «اعتدال و میانه‌روی در آموزه‌های رضوی» به این نتیجه دست یافته که از منظر امام (علیه السلام) اعتدال مبتنی بر مناسبات عقلانی و وحیانی است. نادعلی در مقاله‌ای با عنوان «اعتدال، میانه‌روی و نکوهش اسراف از منظر قرآن و

و چگونگی از افراط و تفریط دور باشد و در واقع معتدل و مستقیم باشد. از این رو «رجل سَوِيٌّ» به کسی گفته می‌شود که خَلْق و خُلُق وی در حد اعتدال باشد. «سَوِيٌّ» در آیات قرآن نیز معنای اعتدال و مستقیم را می‌رساند. «ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا» (مریم/۱۰)؛ «سه شبانه‌روز با این که سالمی با مردم سخن نمی‌گویی» یا «أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ» (طه/۱۳۵)؛ «یاران راه راست» یا «يَمْشِي مُكَبِّبًا» (ملک/۲۲)؛ «سالم از لغزش راه می‌رود.» (۷) در اصطلاح سواء به معنی، اعتدال، مساوات و برابری است و در قرآن به جاده مستقیم «سَوَاءَ السَّبِيلِ» گفته شده بدان جهت که قسمت‌های آن برابر و دو طرف آن مساوی و هموار است و به هر روش معتدل و منظم و خالی از انحراف راه راست گفته می‌شود. (۸) در مجموع می‌توان گفت در برخی از آیات قرآن این کلمه مترادف با اعتدال به کار برده شده و معنای آن تساوی و برابری است.

قصد

قصد به لحاظ لغت در چند معنا به کار رفته است: راستی و استواری راه: «الْقَصْدُ: اسْتِقَامَةُ الطَّرِيقِ» (فراهدی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۳)، عدل: «الْقَصْدُ: الْعَدْلُ»، روش معتدل و میانه: فی الحدیث «علیکم هدیا قاصداً»؛ ای طریقیاً معتدلاً. (۹) همچنین در اصطلاح گفته شده: قصد به معنای میانه است، پس اقتصاد به معنای میانه‌روی در امور و پرهیز از افراط و تفریط در امور است، و امت مقتصد امتی است که در امر دین و تسلیم نسبت به دستورات الهی میانه‌رو و معتدل باشد. (۱۰) و کلمه قصد در هر چیز به معنای حد اعتدال در آن است بررسی کاربردهای قصد و اقتصاد در کتب لغت و قرآن نشان می‌دهد که این دو واژه معنایی نزدیک اعتدال دارند و مراد از قصد و اقتصاد در امور، میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است.

عدل

عدل در نگاه اهل لغت به معانی مختلفی به کار رفته است: حکم به حق؛ امری که پسند مردم باشد (۱۱)، امری مستقیم که در نفوس اقامه شده و مقابله جور و ستم است (۱) در اصطلاح گفته شده: عدل، رعایت انصاف میان مردم و رفتار اعتدال آمیز و بدون انحراف با ایشان است (۱۲) علامه طباطبایی در معنای این واژه می‌فرماید: عدل، عبارت است از اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط. (۹) طبق آن چه گذشت، عدل در برخی کاربردهای قرآنی، معنایی نزدیک به اعتدال دارد و پرهیز از افراط و تفریط در معنای آن نهادینه شده است.

قَوَامٌ

کلمه قَوَامٌ به معنی اعتدال و عدل (۱۳) می‌باشد. برخی نیز گفته‌اند: قوام به معنی اعتدال و میانه دو چیز است که از دو طرف برابر و مساوی باشد و همانند آن است کلمه سواء از ماده استواء، (که به معنای مساوات و برابری است) همچنین قوام بر وزن (عوام) به معنی اعتدال و بر وزن (کتاب) به معنی قیام و استقرار است. (۱۴) بررسی کاربردهای قوام و استقامت در قرآن نشان می‌دهد که در این کاربردها، قوام و استقامت معنایی نزدیک به اعتدال دارند.

روایات: قلمرو اعتدال را در امور فردی مانند (فعالیت‌های عبادی، فعالیت‌های بدنی، فعالیت‌های معیشتی و رفتاری) و امور اجتماعی مانند (دوستی‌ها، دشمنی‌ها، دفاع و اعلام مواضع و معاشرت با مردم) معرفی کرده است. همچنین رشیدی در پایان‌نامه «بررسی علل و عوامل اعتدال‌گریزی در قرآن و حدیث» زمینه‌ها، اقسام، پیامدها و عوامل اعتدال‌گریزی را تبیین نموده است. خسروخاور نیز در پایان‌نامه «اعتدال از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) با محوریت نهج‌البلاغه»، به بررسی زوایای پنهان این موضوع بپردازد و اعتدال را از بعد تکوین و تشریح، از منظر فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. در مورد موضوع «اعتدال» و مسائل مربوط به آن، آثار متعددی اعم از کتاب و مقاله نگاشته شده است. لازم به یادآوری است که پژوهش‌های یاد شده، هر کدام به بُعدی از ابعاد اعتدال پرداخته یا نگاه کلی به مسأله اعتدال افکنده‌اند، لکن پژوهش حاضر، پژوهشی قرآنی حدیثی است که بنا دارد عوامل مؤثر بر اعتدال‌گرایی را استخراج نماید. بر اساس جستجوی نویسندگان، تاکنون در این باره، اثری مستقل و منسجم ارائه نشده است.

آشنایی با مفاهیم تحقیق

جهت آشنایی با کلمات پر کاربرد در این پژوهش، ابتدا مفهوم‌شناسی اعتدال و سپس واژگان مرتبط با آن مطرح می‌گردد.

اعتدال

اعتدال از جمله مفاهیمی است که در علوم مختلف از آن بحث به میان آمده است. لغت‌شناسان نیز در معنای این کلمه، تعاریف مختلفی اراده داده‌اند. ابن‌منظور در لسان‌العرب می‌گوید: اعتدال مصدر باب افتعال، از ریشه عدل، به معنی حد وسط و رعایت تناسب در امور کمی و کیفی است (۱) همچنین در لغت به معنی میانه‌روی و راست و استوار شدن آمده (۲) و معنای مساوات نیز از آن فهمیده می‌شود (۳)

این واژه در اصطلاح، حد وسط میان افراط و تفریط است (۴) و صراط مستقیم الهی و همان راه میانه است. (۵) همچنین اعتدال و میانه روی در جامعه و عُرف، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو طرف افراط و تفریط است. (۶) بنابراین اعتدال به معنای رعایت حد وسط و تناسب داشتن در هر کاری است به صورتی که هر چیزی در جای مناسب خود قرار گیرد و حق آن به طور کامل ادا شود.

۳-۲. کلمات هم‌نظیر با اعتدال

واژه اعتدال در قرآن کریم نیامده است؛ ولی این مفهوم را می‌توان از واژگان «قوام» (فرقان/۶۷)، «وسط» (بقره/۱۴۳)، «قصد» (لقمان/۱۹)، «سواء» (قصص/۲۲)، «حنیف» (آل عمران/۶۷) استفاده کرد. یکایک این واژگان با اندکی اختلاف به وضعیت میانه و حد وسط اشاره دارند. در ادامه هریک از این واژگان بصورت اجمالی معرفی و تبیین می‌گردد.

سواء

این واژه برگرفته از «سَوِيٌّ» به معنای مساوی و وسط به کار می‌رود و «سَوِيٌّ» از همین ریشه، به چیزی گفته می‌شود که به لحاظ مقدار

خانوادگی و حیات اجتماعی زیر پا بگذارد. در همین راستا حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَ جَمَاعُ الْإِحْسَانِ»؛ دادگری و عدالت در رأس ایمان و گردآورنده احسان است. «برترین مراتب ایمان، اجرای عدالت است که در پرتو آن خوبی و نیکی در جامعه و مردمان سرپا می‌کند و دین و دینداری معنا می‌یابد. این گونه است که جامعه دینی برپا می‌گردد و مردمان راست می‌شوند.» (۱۹) بنابراین، میان ایمان و اعتدال، پیوند ناگسستنی وجود دارد و هرگز نمی‌توان بین این دو تفکیک ایجاد نمود.

تدبیر و برنامه‌ریزی

خداوند متعال در سوره‌های عذیده قرآن کریم، از جمله سوره‌های یونس و رعد می‌فرماید: من کارهای خود را با تدبیر و برنامه‌ریزی خاص اجرا می‌کنم و با استفاده از کلمه و واژه «يُدَبِّرُ الْأُمْرَ» به بندگان خود اعلام فرموده است: کار خداوند با برنامه، تدبیر، تدبیر، حکمت و آینده‌نگری انجام می‌گیرد، پس ای بندگان خداوند شما هم عبرت و درس بگیرید و در کار روزانه خود با برنامه و تدبیر کارهای خود را پیش ببرید. انسانی که تمایل دارد به اعتدال دست پیدا کند، باید از برنامه‌ریزی صحیح در همه امور زندگی خویش بهره‌بردارد. به بیانی دیگر «اعتدال جز با برنامه‌ریزی و تدبیرمندی چهره نمی‌گشاید، و نبود برنامه صحیح، مانعی جدی و اساسی در رخ نمودن اعتدال است، بلکه بدون آن عدلی برپا نمی‌شود و برقرار نمی‌ماند.»

اهمیت برنامه‌ریزی در برپایی اعتدال تا بدان جاست که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا» (یونس/۶۷)؛ «اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید].»

طبق این آیه خداوند شب را مایه سکونت انسان‌ها و روز را مایه دیدن آنان قرار داد تا بتوانند انواع حرکات و آمد و شدها را برای کسب مواد حیات و اصلاح شؤون معاش انجام دهند؛ زیرا امر زندگی بشری به گونه‌ای است که تنها با حرکت و یا تنها با سکون تمام نمی‌شود، بدین جهت خدای سبحان امر او را در این باب با ظلمت شب و روشنی روز تدبیر کرد، شب را ظلمانی کرد تا مردم مجبور شوند دست از کار کشیده خستگی و تعب و کوفتگی روز را با استراحت و با انس با زن و فرزند و بهره‌مندی از آنچه از راه کسب روزانه به دست آورده، برطرف ساخته و با خوابیدن تجدید قوا کنند، و با روشنی روز که وسیله دیدن اشیاء و اشتیاق به آنها است، به طلب آن اشیاء برخیزند. در واقع خداوند با این برنامه‌ریزی مدبرانه به انسان کمک نموده تا اوقات زندگی خود را به درستی اسفاده نماید و با فعالیت در روز و استراحت در تاریکی شب، زندگی معتدل و میانه‌ای را در پیش گیرد.

مدلی از برنامه‌ریزی صحیح توسط امام حسین (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت می‌فرماید: از پدرم (علیه السلام) در مورد امور داخلی زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرسیدم. فرمود: «هرگاه اراده می‌کرد به خانه می‌رفت و چون وارد منزل می‌شد، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می‌کرد: بخشی را به [عبادت] خدا اختصاص می‌داد و بخشی را به خانواده‌اش و بخشی را به خودش. وقت مخصوص به خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می‌فرمود.» (۲۰)

از دیگر واژگانی که مترادف اعتدال ذکر شده، واژه وسط است. وسط به معنای مابین دو چیز است (۱) که از دو طرف به صورت مساوی فاصله داشته باشد (۷) وسط در اصطلاح به همان معنای میانه‌روی و مراعات حد وسط در هر کاری است. (۱۵) علامه طباطبایی کلمه وسط را به معنای امر میانه و به دور از افراط و تفریط دانسته است.

عوامل اعتدال‌گرایی

خداوند انسان را آفریده و مجموعه‌ای از غرائز و تمایلات را در او قرار داده است که استفاده و بکارگیری درست از هر کدام، در جای مناسب خود می‌تواند او را به کمال مطلوب برساند، لکن افراط و تفریط نسبت به بهره‌مندی هر یک از توانایی‌های موجود می‌تواند او را به سمت و سوی هلاکت و سقوط پیش ببرد، از این رو دین اسلام اعتدال و میانه‌روی را یکی از برترین فضیلت‌های اخلاقی برشمرده و افراط و تفریط را رذیلت اخلاقی، بر می‌شمرد. از مزایای مکتب اسلام این است که تمام دستورات و مقررات آن معتدل قرار داده شده است، لذا جامعه‌ی اسلامی می‌تواند با عمل کردن به این دستورات و پیاده کردن آن‌ها در زندگی خود به عنوان یک جامعه‌ی الگو و نمونه برای دیگران مطرح گردد. اما راه دستیابی به اعتدال و میانه‌روی در گرو عوامل و زمینه‌هایی می‌باشد و این عوامل هستند که موجبات بروز اعتدال‌گرایی را فراهم می‌آورند. در ادامه این عوامل از منظر قرآن و روایات تبیین می‌گردد.

ایمان به خدا

از منظر قرآن و روایات یکی از عوامل اعتدال‌گرایی، ایمان داشتن به خداوند متعال است. در روایات و آثار فقهی شیعه، ایمان به دو معنای عام و خاص به کار رفته است: معنای عام، یعنی اعتقاد قلبی به تمامی آموزه‌های پیامبر اسلام، و معنای خاص، علاوه بر معنای اول، همراه با اعتقاد به امامت و ولایت ائمه دوازده‌گانه است. (۱۶) قرآن ایمان را به عنوان یکی از عوامل به وجود آورنده اعتدال لازم شمرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ (نساء/۱۳۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید.»

در تفسیر بیان السعادة گفته شده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ یعنی ای کسانی که با دست محمد (صلی الله علیه و آله)، بیعت عام کرده و دعوت ظاهری را قبول نموده‌اید (۱۷) بدانید که مؤمن باید ساعی و مجاهد در اقامه عدل باشد و از شهادت به حق در راه خدا دریغ ننماید، اگر چه بر ضرر خود و کسان نزدیک و دور او باشد. (۱۸) خداوند در این آیه یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اعتدال در همه موارد بدون استثنا ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدل کنند.

در روایات نیز نگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این است که اعتدال از ایمان بر می‌خیزد و ایمان، اساس و پایه عدل، ثمره و نتیجه ایمان است. تا انسان، دینداری خود را تقویت نکند و در خدا ترسی به درجاتی نرسد، در اجرای عدالت عاجز است؛ زیرا ممکن نیست مسلمانی داعیه ایمان داشته باشد و در عین حال عدالت را در زندگی

نابرابر آیات الهی و روایات معصومین (علیهم السلام) انسان با توجه به استعدادهای بالقوه، نیازها و آرزوهای خود، که برآورده شدن آنها منجر به رشد و کمال او می‌گردد، بعد از شناخت ارزش وقت و برنامه‌ریزی صحیح، لازم است بداند که عمر خود را در چه اموری صرف کند تا ابعاد وجودی‌اش را به صورت هماهنگ و متعادل رشد دهد.

اصلاح بینش و نگرش

ویژگی‌ها، صفات اکسایبی، عملکردها، رفتارها، روابط و مناسبات انسان برخاسته از نوع نگاه و بینش و فهم و درک او از امور و موضوعات است؛ و هر چه از انسان سر می‌زند همچون شاخسارها و برگ‌ها و میوه‌های درختی است که ریشه‌های آنها بینش است. در قرآن کریم آیات متعددی با این جهت‌گیری تربیتی آمده و خداوند مؤمنان را در امور مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی به رعایت اعتدال فراخوانده است؛ چرا که هدف اسلام معتدل کردن شاکله و شخصیت انسان بوده تا در سایه این شخصیت مطلوب قرآنی، در همه اعمال و رفتار وی اعتدال وجود داشته باشد

تعالیم اسلام در تمامی ابعاد و عرصه‌های زندگی، انسان را به تعادل و اعتدال، دعوت می‌کند و او را افراط و تفریط باز می‌دارد و بر این اساس باور و نگرش او را شکل می‌دهد. توضیح آن که؛ گاهی تأکید بر انتخاب حد میانه و وسط در یک مسئله جزئی فقهی، مانند آنجا که قرآن کریم درباره کیفیت قرائت در نماز می‌فرماید: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اسراء/۱۱۰)؛ «و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته‌اش مکن، و میان این [و آن] راهی [میانه] جوی.»، توجه ما را به خود جلب می‌کند. و یا درباره انفاق می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷)؛ «و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند»

در طول تاریخ، اولیای الهی منادی اندیشه‌ورزی بوده‌اند و در سیره تربیتی خود همواره تلاش می‌نمودند تا چشمه فکر و اندیشه صحیح را در نهاد آدمی به جوشش درآورند و می‌کوشیدند تا مرغ اندیشه را از قفس خرافات و موهومات برهانند و افق‌های وسیعی را در فراروی انسان‌ها بکشایند. رهبران بزرگ اسلام، خطاب به پیروان خویش و پویندگان طریق حق و حقیقت نیز می‌فرمایند: «يَا مَعْشَرَ الشَّيْبَةِ - شَيْبَةَ آلِ مُحَمَّدٍ كُونُوا النُّمُرَةَ الْوَسْطَى، يَرْجِعَ إِلَيْكُمْ الْعَالِي، وَ يَلْحَقَ بِكُمْ التَّالِي» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۹)؛ «ای شیعیان، پیروان آل محمد (صلی الله علیه و آله) گروه میانه و معتدل باشید، که افراط‌گر به سوی شما بازگردد و تفریط‌کار به شما رسد.» بر این اساس از منظر قرآن و روایات کسب بینش صحیح و نگرش درست پیرامون مؤلفه‌های اعتدال‌گرایی، می‌تواند زمینه ساز نیل انسان به این امر گردد.

نظارت و کنترل

یکی از زمینه‌ها و عوامل مؤثر در دست یافتن به اعتدال، نظارت و کنترل امور جامعه است. دست‌یابی به این اطمینان که در صورت

مشاهده انحراف، برای تصحیح آن، اقدام لازم به عمل می‌آید، نیازمند فرآیندی است که آن را نظارت و کنترل می‌نامند. (۲۱) برای جلوگیری از اختلال در ظهور اعتدال در بستر جامعه از جانب گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های مختلف، که می‌توانند برای جامعه خطرآفرین و بحران‌ساز باشد، لازم است بر روابط و مناسبات بخصوص روابط اقتصادی، و بازار، نظارتی دقیق صورت گیرد. خدا در قرآن بیان می‌کند که خود، مستقیم به نظارت عملکرد انسان می‌پردازد. البته برای این که اعتراضی نباشد، شاهدانی از خودش از اعضا و جوارح (فصلت/ ۲۱)، پیامبران از جمله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان شاهد شاهدان (نحل/ ۸۹؛ توبه/ ۹) و امامان معصوم (توبه/ ۱۰۵) همه عملکردهای انسان را می‌بینند. با توجه به آیات الهی که خبر از اهمیت کنترل و نظارت بر عملکرد انسان دارد، معصومان (علیهم السلام) در زمان خود این نکته مهم را مد نظر داشته و هر کجا که ناعدالتی و انحرافی در جامعه مشاهده می‌کردند، با نظارت دقیق بلافاصله آن را کنترل می‌نمودند. از جمله منقول است امام علی (علیه السلام) شخصاً اوضاع بازار را زیر نظر داشتند و ضمن دعوت بازاریان به رعایت موازین اخلاقی و شرعی، نرخ‌ها را بررسی کرده، بر معاملاتی که بین مشتری و فروشنده در جریان بود نظارت می‌کردند و با احتکار و گران‌فروشی نیز سخت مبارزه می‌نمودند. (۲۲) با توجه به این که احتکار و گران‌فروشی اعتدال اقتصادی جامعه را مخدوش می‌نماید؛ آن حضرت به واسطه کنترل و نظارت بر بازار، چرخه اعتدال را در جامعه حفظ می‌نمودند. امام (علیه السلام) هم بازاریان را به رعایت حال خریداران و ارزان‌فروشی تشویق می‌کرد و هم پیوسته بر قیمت‌ها نظارت و با احتکار و گران‌فروشی مبارزه می‌کردند. از این رو به مالک چنین دستور می‌دهند: «از احتکار منع کن که رسول الله (صلی الله علیه و آله) از آن منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی و بر موازین عدل صورت گیرد؛ به گونه‌ای که در بها نه فروشنده زیان ببیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از آن که احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کرد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سب عبرت دیگران گردد؛ ولی کار به اسراف نکشد.» (نهج- البلاغه، نامه ۵۳) امیر مؤمنان (علیه السلام) با تدبیر و سازمان‌دهی گسترده، همه امور خرد و کلان گستره حکومتی خویش را زیر نظر می‌داشت و در یک برنامه وسیع و نظارت و بررسی همه جانبه، با اشراف بر اجزای حکومت، به اداره کشور می‌پرداخت، به خصوص در باره کارگزاران حکومتی، تلاش و قاطعیت بیشتری به کار می‌برد تا آنان از مدار قانون و حکم خدا خارج نشوند؛ آن گونه که اسلام طراحی کرده با تکیه به اعتدال به اداره مملکت بپردازند.

پرهیز از افراط و تفریط

اساساً در هر کار، باید از افراط و تفریط پرهیز کرد و همواره در نقطه تعادل ایستاد. افراط و تفریط در تعالیم دین اسلام جایز نیست. متأسفانه در میان مسلمانان گروهی به افراط و عده‌ای دیگر به تفریط مبتلا هستند. یک عده با افراطی‌گری خودشان، بدون جهت مسلمانان متدین را تکفیر و از دین خارج می‌کنند، عمل‌های خود را نیز به اسلام نسبت می‌دهند و یک‌عده دیگر به حدی تفریط می‌کنند تا سرانجام به شرک می‌رسند. دین اسلام نه تفریط را و نه

از نقص و کم کردن وزن نیز نهی نموده خواه به نفع او باشد یا به ضرر او، و امر به اقامه‌ی وزن نموده، و آن عبارت از مساوی نمودن دو طرف میزان است.

اهمیت میزان به هر معنی در زندگی و حیات انسان چنان است که هر گاه همین مصداق محدود و کوچکش یعنی ترازو را یک روز از زندگی حذف کنیم، برای مبادله اشیاء گرفتار چه دردسرها و هرج و مرج‌ها دعوا و نزاع‌ها خواهیم شد. فلذا داشتن قوانینی عادلانه که مانع از افراط و تفریط در امور و قابلیت اجرایی در سطح زندگی داشته باشد، می‌تواند مجری اعتدال‌گرایی در امور باشد. قوانین عادلانه اگر نه برای همه، برای اغلب مردم ضامن حفظ حقوق و مصالح آن‌ها است و در نتیجه، موجب رفتار عادلانه و حفظ اعتدال نیز می‌شود. تردیدی نیست که هر حکومت و دولتی باید همواره به فکر آن باشد که راه رسیدن به قانون عادلانه، کامل و مناسب با هر وضعیت را دریابد.

تحریم اسراف و تبذیر

طبق متون دینی اسراف و تبذیر مهم‌ترین مصداق تجاوز از حد است و حرمت آن نوعی قاعده تحدیدی است تا انسان از حد معقول و مقبول خارج نشود. تحریم اسراف موجب می‌شود که مصرف یک جامعه اسلامی در حد اعتدال باقی بماند، مردم در حد ضرورت مصرف کنند، اضافه بر آن را پس انداز کنند و به سرمایه‌گذاری و یا انجام مصارف مستحب (صدقه، انفاق و ...) که به توزیع بهتر درآمد کمک می‌کند، اختصاص دهند. رهنمود کلی قرآن مجید در این مورد چنین است: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (شعراء/۱۵۱-۱۵۲)؛ «و فرمان افراط‌گران را پیروی نکنید. آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند.» نگاهی گذرا به اسراف‌کاری‌های عده‌ای مترف و خوشگذران، نشان می‌دهد که با پرهیز از آن، می‌توان انسان‌های گرسنه و برهنه زیادی را سیر کرد و پوشاند و به جای ساختمان‌های سر به فلک کشیده و متعدد و مجهز، چه بسیار بی‌خانه‌هایی را خانه داد تا آن‌ها را از گرما و سرما حفظ کند، در حالی که ممکن است صاحبان آن کاخ‌ها و قصرها، به بیش از یک صدم یا یک هزارم آن‌ها نیاز نداشته باشند. (۲۷) قرآن کریم در آیات فراوانی مسرفان و مبذرین را شدیداً محکوم نموده است و عاقبت اعمال آن‌ها را محرومیت از محبوبیت و دوست داشتن خدا (انعام/۱۴۱)، داخل شدن در جهنم (زخرف/۳۹)، محرومیت از هدایت الهی (غافر/۴۳)، و هلاکت و نابودی انسان (انبیاء/۹) می‌داند.

در روایات زیادی نیز به مناسبت‌های مختلف، سخن از اسراف به میان آمده و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) از آن نهی و مذمت فرموده‌اند. در قسمتی از حدیثی معتبر امام صادق (علیه‌السلام) به شخصی که شرفیاب محضرش شده بود، فرمودند: «از خدا پروا کن و اسراف مکن. سخت‌گیری هم منما و راه میانه و اعتدال را پیشه ساز. به تحقیق تبذیر از اسراف است و خداوند فرموده است، تبذیر نکنید.» بر اساس آیات و روایات مطرحه، اسراف و تبذیر از دید اسلام بسیار ناپسند است و افزون بر این که عیب بزرگی برای انسان و بلایی اجتماعی به شمار می‌رود، انسان‌های مستمند و ضعیف را نیز از نعمت‌های خداوند محروم می‌سازد. بی‌گمان، نعمت‌ها و

افراط را قبول دارد، بلکه در مقابل آن، مردم را به اعتدال و میانه‌روی سفارش می‌کند: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره/۱۴۳)؛ «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم.»

«در آیه مورد بحث، امت اسلامی یک امت نمونه معرفی شده که حد وسط میان افراط و تفریط است. دین اسلام همان گونه که به امور معنوی و آخرت اهمیت می‌دهد به امور مادی و دنیا هم اهمیت می‌دهد. اسلام برای آبادی دنیا و آخرت در کنار یکدیگر برنامه‌ریزی کرده و همان گونه که مردم را به انجام عبادت‌های مخصوص و دعا فرا خوانده، به کار و کوشش در جهت آبادانی زمین و داشتن خانواده و زندگی راحت، دعوت کرده است برنامه‌ها و احکام اسلامی، واقعیت وجود بشر را در نظر گرفته و از هر گونه افراط و تفریط به دور است.» (۲۳)

در سیره معصومین (علیهم‌السلام) نیز با دوری از افراط و تفریط، شاهد بر پا شدن اعتدال می‌باشیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در رفتار فردی، در خانواده و اجتماع، در اداره امور و سیاست و حتی در رویایی با دشمنان و در میدان نبرد اعتدال را پاس می‌داشت و از افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می‌کرد. در خبر مشهور و متفق شیعه و سنی آمده است که امام حسین (علیه‌السلام) گفت: از پدرم امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) درباره سیره خدا (صلی الله علیه و آله) در خارج از منزل پرسیدم، فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در همه امور معتدل و میانه‌رو بود، گاهی افراط و گاهی تفریط نمی‌کرد.» (۲۴) در مکتب انسان‌ساز اسلام میانه‌روی همواره در رأس قرار دارد؛ از حرام بودن طلا برای مرد، اعتدال استفاده آن برای زن، نهی از ظروف طلا و نقره و به کار نبردن ابریشم خالص و یا زربافت برای کفن مرده ملاحظه می‌شود که اسلام با تأکید بر شخصیت الهی انسانی، حتی جسم وی را نیز از هرگونه افراط و تفریط بر حذر می‌دارد.

قوانین درست و عادلانه

یکی از عوامل دستیابی به اعتدال در جامعه، وجود قانون درست و پای بندی کارگزاران حکومتی و مردم به آن است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)؛ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند» بر اساس این آیه، برقراری اعتدال در روابط میان مردم یکی از اهداف رسالت انبیای الهی است. انجام چنین کاری نیازمند دو مقدمه است: نخست اینکه قوانین و مقرراتی در میان مردم وجود داشته باشد و در درجه دوم آن که، قوانین و مقررات صحیح و درست وضع شود و وساطت انبیا برای تحقق اعتدال دو جهت فوق را تأیید می‌کند. یعنی هم وضع قانون و هم حسن اجرای قانون، به دست آنان به خوبی صورت می‌گیرد. (۲۵)

خداوند متعال، خواهان سر نهادن انسان به قوانین عادلانه می‌باشد. آن جا که فرموده: «أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَاقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن/۸-۹)؛ «تا مبادا از اندازه درگذرید و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید.» مراد از میزان؛ اجرای عدل است (۲۶) خدای تعالی با بیان این قانون از زیادی در وزن نهی نموده، خواه به نفع وزن کننده باشد یا به ضرر او. چنانچه

شالوده و اساس همه برنامه‌های اسلام را تشکیل می‌دهد و از مهم‌ترین اهداف آن به شمار می‌آید. از این‌رو، رعایت حق باید به عنوان اصل حاکم در همه حرکات و اقدامات زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

عقل‌گرایی

عنصر عقل و اندیشه از جمله عناصری است که در رأس تعالیم عالیه دین مقدس اسلام قرار دارد و قرآن کریم پر از آیاتی است که عموم انسان‌ها (و نه تنها مسلمانان) را به «تعقل» فرا می‌خواند. اهمیت استفاده از عقل تا آن‌جا ضروری است که این ابزار درک و سنجش، می‌تواند مبنای شکل‌گیری اعتدال گردد. الگوی عقلانیتی را که قرآن به‌عنوان منطق کنش جمعی آدمیان مطرح می‌کند، تنها معطوف به اهداف و غایات این جهانی نیست، بلکه عقلانیت جامع، غنی و پرمایه‌ی است که اهداف و کمال مطلوب‌ها را متناسب با گستره حیاتی دنیوی و اخروی انسان مورد ارزیابی قرار می‌دهد. الگوی عقلانیت قرآن الگوی جامع و شاملی است که عقل معاش و عقل معاد را با هم ترکیب می‌کند که برآیند آن نگاه همزمان به دنیا و آخرت، و ابعاد مادی و معنوی حیات انسان در کنار هم است: «وَ اَتَّبِعْ فِيْمَا آتَاكَ اللّٰهُ الدّٰرَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَسْ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ اَحْسِنْ كَمَا اَحْسَنَ اللّٰهُ اِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْاَرْضِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ» (قصص/ ۷۷)؛ «و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن. و هم چنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد.»

امام علی (علیه‌السلام) نیز عقل را اصلی‌ترین سرمایه درونی انسان دانسته و اعتدال را ره‌آورد عقل بر می‌شمارد و می‌فرماید: «جاهل را نمی‌بینی مگر اینکه افراط یا تفریط می‌کند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۰)؛ یعنی انسان عاقل، انسانی معتدل و انسان جاهل انسانی غیرمعتدل است؛ چرا که شأن عقل، اعتدال و شأن جهل، عدم اعتدال است. عقل از عقل گرفته شده و در اصل به معنای بستن، نگه داشتن، امساک و در ارتباط با انسان به معنی خودنگهداری و حبس نفس است. (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۹) بر این اساس ادراکی را که انسان به آن دل می‌بندد و چیزی را که با آن ادراک می‌کند، عقل نامیده‌اند که به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل تشخیص داده می‌شود. تبیین سخن آن که انسان از یک سو به طور طبیعی به بهره‌وری‌های دنیوی تمایل و کشش شدید دارد و از سوی دیگر خداوند متعال با موهبت کردن عقل در واقع ابزاری را در اختیار انسان قرار داده که به این کشش‌ها قید بزند و از اعتدال خارج نگردد و آن را در محدوده رضا و سخط الهی مهار کند.

حاکمیت عدل

در نصوص آیات و روایات سفارش‌های زیادی به سردمداران حکومت‌ها در خصوص عدالت‌پیشگی و عدالت‌محوری شده است. مثلاً خداوند متعال خطاب به پیامبرش حضرت داوود (علیه‌السلام) می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيْفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ» (ص/ ۲۶)؛ «ای داوود ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم، پس در

مواهب موجود در کره زمین مشروط به این‌که بیهوده از میان نرود، برای ساکنانش بس است و باید بدون افراط و تفریط از آن‌ها بهره برد در غیر این‌صورت، این مواهب آن چنان فراوان و نامحدود نیست که با بهره‌گیری نادرست، آسیب‌پذیر نباشد. از این‌رو، اسراف و تبذیر عده‌ای از مردم در جایی از زمین، موجب محرومیت مردمان جای دیگری یا اسراف و تبذیر نسل امروز باعث محرومیت نسل‌های آینده می‌شود. اسلام پیش از این‌که دانش‌مندان به این مسأله پی ببرند، به آدمیان درباره بهره‌گیری از مواهب الهی هشدار و آنان را از اسراف و تبذیر پرهیز داده بود.

حق‌محوری

از مواردی که ارتباط تنگاتنگی با اعتدال دارد، حق‌محوری است. اگر جامعه‌ای شالوده عملی و رفتاری خود را بر اساس و ساختار حق‌پی‌ریزی کند، به اعتدال خواهد رسید. به طوری که می‌توان گفت: نتیجه ندادن تلاش پیامبران و مصلحان برای زدودن عامل‌ها و موانع اعتدال در جامعه، به این سبب است که مخاطبانشان در این راستا عمل نکرده‌اند و با پیروی از باورهای باطل در راه هدف‌های آنان مانع ایجاد کرده‌اند. شاهد بر این ادعا، آیه «وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُوْتِنٰكَ هُمْ الظّٰلِمُوْنَ» (بقره/ ۲۲۹)؛ «کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند»، است. در لسان آیه، ظالم کسی است که از حدود الهی تجاوز کند و از آن‌جا که یکی از پیش شرط‌های اساسی اعتدال، عدل است که نقطه مقابل آن ظلم می‌باشد، شخص عادل کسی است که کارها و باورهایش با محوریت حق است. چنین فردی از حدود الهی فراتر نمی‌رود و دچار افراط و تفریط نمی‌شود. از این‌رو امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: بر تو باد به میانه‌روی در کارها، زیرا هر که از میانه‌روی برگردد، ستم کند و هر که بدان پایبند گردد، به عدالت رفتار نماید. (۲۸)

نیک روشن است جوهر عدالت، حق است؛ اگر بین مردم و زمامداران، حق‌محوری ملاک باشد، عدالت به عنوان خط اعتدال ظهور خواهد کرد، آن‌گاه امنیت روانی و اجتماعی جامعه رفته‌رفته بالا می‌رود و افراط و تفریط که همواره زبان‌های جبران‌ناپذیری را متوجه جوامع می‌کند و امنیت عمومی را به خطر می‌اندازد، با اعتدال مهار می‌شود. مولای متقیان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: اگر حق‌طلبی، اساس ارتباط حاکمان و مردم گردد، آن‌گاه: «وَ قَامَتْ مَنَهِجُ الدِّیْنِ ، وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ ، وَ جَرَّتْ عَلٰی اَدْلَالِهَا السُّنَنُ ، فَصَلَحَ بِذٰلِكَ الزَّمَانُ ، وَ طُمِعَ فِي بَقَاۗءِ الدَّوْلَةِ ، وَ يَسَّتْ مَطَامِعُ الْاَعْدَاءِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷)؛ «نشانه‌های عدالت هویدا می‌شود و دستورات الهی در سایه عدالت جاری می‌گردد؛ در نتیجه روزگار اصلاح می‌شود و امید به بقای حکومت تقویت می‌گردد و دشمنان نیز مأیوس می‌شوند.» بنابراین امنیت جامعه در خط اعتدال تضمین می‌شود و انسان‌ها احساس آرامش می‌کنند و حق هرکسی به خوبی ادا می‌شود و به‌طور کلی روزگار به کام انسان است. حق‌محوری، زمینه‌ساز اعتدال در حکومت علوی است. حق‌مداری، جلوه‌والای استوار گامی آن بزرگوار در مسیر اعتدال است. حق‌گرایی و حق‌مداری، در جای جای حکومت کوتاه آن بزرگوار، به روشنی پیداست. در حقیقت علی (علیه‌السلام) جز به حق نمی‌اندیشد و آهنگی جز احقاق حق ندارد. درخور توجه است که حق‌محوری

نکند. همچنین با تدبیر و برنامه‌ریزی صحیح در امور، اعتدال محقق می‌گردد. اینکه انسان بینش و نگرشی صحیح داشته باشد، این امتیاز را به او می‌دهد تا درک صحیح از اعتدال داشته باشد و نعمات الهی را به موقع و بجا مصرف نماید. عامل دیگری که به اعتدال‌گرایی کمک می‌کند، کنترل و نظارت بر عملکرد انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است. چنانچه سیستم‌های نظارتی بتوانند، زیاده‌روی‌ها و افراطی‌گرایی را کنترل نمایند و همچنین با تفریط‌گرایی نیز برخوردی مناسب اعمال کنند، اعتدال و میانه‌روی شکل می‌گیرد. همچنین اعمال و اجرای قوانینی عادلانه مردم را به سمت اعتدال-گرایی سوق می‌دهد. بدیهی است زیاده‌روی در مصرف، زیان‌های جبران‌ناپذیری را در پی داشته و حیات مادی و معنوی فرد و جامعه را تهدید می‌کند؛ و در مقابل آن رعایت میانه‌روی مانند عمودی قوی، خیمه زندگی را استوار نگه داشته و از فروپاشی آن جلوگیری می‌کند. از این روی به منظور کسب اعتدال، اسلام، اسراف و تبذیر را مورد نکوهش و حرمت آن را اعلام داشته است. حق‌محوری و عقل‌گرایی نیز دو عامل دیگری هستند که انسان را در مسیر تعادل و میانه‌روی یاری می‌دهند. حاکمیت عدل نیز در جامعه موجب می‌شود روح اعتدال در جامعه جان گرفته و تمامی افراد جامعه با تبعیت از آن، اعتدال را رعایت نمایند.

References

- The Holy Qur'an (1414 AH) translated by Mohammad Mehdi Foladvand, Tehran, Darul Qur'an Al Karim.
- Nahj al-Balagha (1414 AH) Sobhi Saleh, Qom, Hijrat, first edition.
1. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1416 AH) *Lasan-al-Arab*, Beirut, Dar Sadir.
 2. Mustafavi, Hasan (Bita) *Tahaqiq qi kalamat al-Qur'an al-Karim*, Beirut, Dar al-Kutb Al-Alamiya, 3rd edition
 3. Qureshi, Ali Akbar (1371) *Quran Dictionary*, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya, 6th edition.
 4. Jurjani, Ali bin Muhammad (1411 AH) *Al-Tarifati*, Beirut, Dar al-Kitab Lebanese.
 5. Makarem Shirazi, Nasser (1374) *Exemplary Commentary*, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya.
 6. Karmi, Reza Ali, (1392) *Moderation and Moderation in Islam*, Qom, Qalamgah, first edition.
 7. Ragheb Esfahani, Abulqasem Hossein bin Muhammad (1428 AH) *Vocabulary of the words of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Marafa.

میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد.» همچنین در آیه‌های دیگر به رسولش می‌فرماید: «و این حکمت فاحکم بینهم بالقسط إن الله یحبُّ الْمُقْسِطِینَ» (مائده/۴۲)؛ «اگر میان آن‌ها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد.»

در اجرای قسط، جهت صورت گرفتن در خارج و هم عدل و نظم مورد نظر است. آیه خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: این افراد که از مراجع یهود هستند، چون نزد تو آمدند، اگر وظیفه تو بیان حکم شد: با در نظر گرفتن موضوع قسط و اجرای حق حکم کن، و متوجه باش که خداوند متعال افرادی را که ایفای حق به مورد می‌کنند، دوست می‌دارد؛ زیرا جهان و نظم جهان روی عدل و قسط تنظیم شده است، و خواسته خداوند همین است. به بیانی دیگر، در نگرش دینی، قوام جامعه و زیست مطلوب و مبتنی بر اعتدال، دایره مدار میزان حاکمیت عدل و عدالت در جامعه است. بر این اساس، عدل باید در تار و پود جامعه نفوذ کند و بر جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... سیطره یابد. گذشته از آیات قرآنی که ذکر شد، روایات بسیاری نیز در رابطه با نقش و اهمیت حاکمیت عدل در برقراری اعتدال در جامعه و نیز مذمت از حاکمیت جور و نقش آن در رواج بی‌عدالتی در جامعه وجود دارد. در روایتی امام صادق (علیه‌السلام) حکم مشروع را فقط و فقط حکم حاکم عادل معرفی نموده و می‌فرماید: تحت ولایت چنین شخصی هر حقی احیاء و هر ظلم و جوری خواهد مرد: «... صورت حلال (صحیح) ولایت (حاکمیت)، ولایت والی عادل است، او کسی است که خداوند فرمان به شناخت، همکاری و یاری او در امر ولایتش نموده است. وقتی والی، والی عدل شد به این جهت (یعنی جهت ولایتی که خداوند امر به تبعیتش نموده است) پس ولایت برای اوست و همکاری با او و یاری کردنش در امر ولایت و تقویت (ارکان حکومت) او حلال و جایز است... و کسب با ایشان (والیان عادل) حلال است. و این بدان خاطر است که در ولایت والی عادل و کار گزارانش زنده شدن هر حق و عدل و نیز مرگ هر ظلم و جور و فسادی محقق است. به همین علت کسی که سعی در تقویت سلطان عادل نماید و او را یاری دهد در امر ولایتش از سعی کنندگان به سوی طاعت خدا و تقویت کنندگان دین او محسوب خواهد شد.» بسیار واضح و روشن است که اگر در جامعه‌ای انسان‌های عادل و صالح وجود داشته باشند، شرایط دیگر مثل منابع مالی و پذیرش عمومی هم باشد اما باز عدالت حاکمیت نداشته باشد؛ یعنی حاکم و عمال او عادل نباشند، تحقق اعتدال محال است. نمونه بارز این مسأله، حضرت علی (علیه‌السلام) می‌باشد که الگوی همه خوبی‌ها و در رأس آن‌ها اسوه عدالت بود، لکن حاکمیت نداشت؛ لذا جامعه از فیض وجود فیاض این انسان کامل محروم بود.

نتیجه گیری

آن چه از تتبع و تحقیق در آیات و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست می‌آید این است که در بروز اعتدال‌گرایی، عوامل متعددی نقش دارند. از جمله این عوامل ایمان به خداوند می‌باشد؛ چرا که انسان با ایمان به حضور و نظارت پروردگار، تلاش می‌نماید تا در همه امور در حدود و چهارچوب دین حرکت نموده و از آن خروج

22. Gilak Hakimabadi, Mohammad Taqi (1380) Imam Ali (peace be upon him), government and economic policies, book criticism magazine, number 19.
23. Jafari, Yaqub (Bi-ta) Tafsir Kausar, bi-ja, bi-na.
24. Ibn Saad, Muhammad Ibn Saad (1410 AH) Tabaqat al-Kubari, Beirut, Dar al-Kitab al-Ulamiya.
25. Bagheri, Seyyed Kazem (Beta) Strategies for achieving social justice in the Islamic system, Tehran, Andisheh Javan, pp. 86-87
26. Shukani, Muhammad bin Ali (1414 AH) Fath al-Qadir, Beirut, Dar al-Kalam al-Tayyib.
27. A group of authors (1388) Fundamentals of Islamic Economics, Qom, Hoza Research Institute and University.
28. Tamimi Amadi, Abd al-Wahd ibn Muhammad (1414 AH) Gharral al-Hakim and Darr al-Kalam, researcher: Seyyed Mahdi Rajaei, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
8. Emami, Mohammad Jafar (1387) words in the sample interpretation, Qom, Imam Ali bin Abi Talib (a.s.).
9. Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1367) Majma Al-Bahrin, Tehran, Al-Thaqfieh Publishing School.
10. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office of the Seminary's Seminary Community.
11. Farahidi, Khalil bin Ahmad (Bita) Al-Ain, Qom, Hijrat, second edition.
12. Tabarsi, Fazl bin Hassan (1372) Majmam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, with an introduction by Mohammad Javad Balaghi, Tehran, Nasser Khosro Publications, third edition.
13. Hosseini Zubeidi, Mohammad Morteza (1414 AH) Taj al-Arus Man Jawaher Al-Qamoos, Beirut, Dar al-Fakr, first edition.
14. Najafi Khomeini, Mohammad Javad (1398 AH) Tafsir Asan, Tehran, Islamia Publications, first edition.
15. Mughniyeh, Mohammad Javad (1424 AH) Tafsir al-Kashif, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
16. Hashemi Shahroudi, Mahmoud (1387) Persian jurisprudence, Qom, Islamic jurisprudence encyclopedia institute.
17. Gonabadi, Sultan Muhammad (1408 AH) Bayan al-Saada fi maqam al-Ibadah, Beirut, Al-Alami Institute for Press.
18. Thaghafi Tehrani, Mohammad (2018) Tafsir of the new psyche, Tehran, Burhan Publications.
19. Delshad Tehrani, Mustafa (2016) Teraz Balandgi, Darya, Tehran.
20. Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403 AH) Bihar al-Anwar al-Jamaa leder Akhbar al-Imam al-Athar, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi, second edition.
21. Khosropanah, Abdul Hossein (2015) Imam Khomeini's intellectual system, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought.